

خطرات حقیقی سینما

در صحنه‌های مکزیک سه نفر از بازی‌کنندگان در موقع برداشتن یک فیلم جنگلی سینما سخت جروح می‌شوند و کمی بعد می‌میرند.

در سواحل اقیانوس کبیر نزدیک جزایر گالاپاگوس یک ستاره سینما در موقع شنا مورد حمله کوسه ماهیهای متعدد واقع می‌شود. همراهان وی سعی می‌کنند باتیرهای مسلسل این جانوران خطرناک را معدوم سازند و در نتیجه ستاره مزبور در میان بارانهای گلوله قطعه قطعه می‌شود.

در سواحل اقیانوس منجمد شمالی دو نفر اسکیمو برای ایفای رول خود در یک فیلم سینما در میان یخهای قطبی منجمد می‌شوند.

یک نفر راننده اتومبیل در یک مسابقه سرعت که برای برداشتن فیلمی ترتیب داده شده بود از اتومبیل پرت و مقتول می‌گردد.

راننده طیاره‌ای در موقع پرواز برای یک فیلم غفله بزین می‌خورد و هزاران قطعه می‌شود.

تمام این اتفاقات را شما با کمال آسایش و آرامش خاطر روی پرده سینما مشاهده می‌کنید و با خود می‌گویید: «اینها همه از حبه‌های فن عکاسی است».

سابق براین، اغلب یا شاید تمام فیلمهای سینما را در «هولیوود» ترتیب می‌دادند و با زحمات کمی می‌توانستند مناظر گوناگونی از نقاط مختلف دنیا را که مورد احتیاج فیلم بود در خود هولیوود درست کنند و از آن عکس بردارند. ولی امروز نمیتوان تماشاکنندگان را با این مناظر جعلی فریب داد. مردم اغلب جا‌های خیلی دور دست را که ابداً ندیده‌اند بواسطه مشاهده فیلم‌ها و خواندن کتب در باره آنها بخوبی می‌شناسند و از اینرو فقط بواسطه تصاویر و مناظر حقیقی میتوان ایشان را بطرف سینما جلب کرد. آنها دیگر طبیعت را فقط باتمام حقایق و زیباییهای آن دوست دارند و با مناظر ساختگی چند سال پیش فریب نمی‌خورند.

فیلمهایی که شما امروز مشاهده میکنید نه فقط دارای مناظر و مکانهای حقیقی است بلکه حتی مخاطرات و مشقاتی را که بازیکنان برای ترتیب يك فیلم متحمل میشوند و روی پرده سینما از جلو شما عبور میکنند حقیقی و طبیعی است!

صد ها فرسخ دور از « هالیوود » در سواحل اقیانوس منجمد شمالی یا در قلب افریقا در مقابل خطرات بی شمار ، يك عده مردان و زنان شجاع فقط برای اینکه شما يك ساعت وقت خود را بشفریح گذرانده باشید جان خود را بخطر میاندازند و اغلب در ایفای وظایف خود کشته میشوند . البته این اشخاص در مقابل اخذ حقوق های بزرگ بدین کارها اقدام میکنند ولی تمام شهرت و منفعت این فداکارها نصیب سرمایه دارانی میگردد که با کمال آسایش در قصور مجلل خود زندگی میکنند .

حال ، برای اینکه کمی بحقایق خطرات فیلم برداری آشنا شویم يك لحظه از تصاویر مفرح پرده سینما چشم میپوشیم و نظری بوقایع و مشقات این صنعت که بر روی پرده نشان داده نمیشود میافکنیم :

برای يك فیلم که در نزدیکی مکزیک برداشته میشد در وسط میدان وسیعی سکوی چوبی مرتفعی نصب شده و ماشین فیلم برداری و کارکنان فنی برفراز آن قرار داشتند . در مقابل آنها قریب ۴۰۰۰ نفر از سربازان مکزیک که برای این فیلم استخدام شده بودند بدو دسته تقسیم شدند و این دو دسته بایستی يك سلسله جنگهای خونین را بازی کنند و نیز بیش از ۱۵۰ نفر سرباست در گوشه و کنار میدان دور از نظر دوربین مخفی شده بودند که از وقایع غیر منتظره جلو گیری کنند . بهر نفر هشت عدد گلوله صدا دار تقسیم شده بود . قبل از شروع بازی برای اینکه گلوله حقیقی که باعث خطر گردد با خود نداشته باشند هر يك نفر را جدا گانه و با کمال دقت تفتیش کردند . پس از خانمه این احتیاطات لازم فرمان جنگ داده شد و دو دسته مزبور بیکدیگر هجوم آوردند .

جنگ بنابر پروگرام تقریباً يك ربع ساعت ادامه داشت و در پایان یکطرف مغلوب و فراری گشت .

سیاه غالب پنج نفر را اسیر کرده بود و آنها را برای تیرباران در محلی

نگاهداشتند و پنج نفر دیگر مأمور تیرانداختن گردیدند. این عده اخیر را هم قبلاً تفتیش کردند و بهر يك فقط يك گلوله سدا دار دادند. پس از آنکه عمل تیرباران خاتمه یافت و بازی تمام شد یک نفر از اسرا بجای خود افتاده باقی مانده بود. پس از معاینه معلوم شد با گلوله حقیقی کشته شده و چون عدارتی بین او و آن شخص تیر انداز وجود داشته این فرصت را برای از بین بردن دشمنش از دست نداده است و پس از آن هر چه جستجو کردند قاتل را نیافتند.

وقتی دیگر برای ترتیب فیلم جنگی عده‌ای سوار مأمور حمله بيك توپخانه گردیده بود و چنین مقرر شده بود که در مقابل تیرهای توپ و مسلسل سواران خود را بحالت کشته بآرامی از اسب بزمین بیندازند.

این عمل را چندین دفعه تکرار کرده بودند و بیم خطیری نمیرفت. با وجود این پس از آنکه بازی منبور خاتمه یافت دو نفر از سواران کشته شده بودند. در يك جای دیگر چند نفر دل جنگ تن بشن را عهده دار بودند و يك عده بایستی عده‌ای دیگر را ظاهراً مقتول سازند. پس از خاتمه بازی یکی از بازی کنان بواسطه ضربت تبری کشته شده بود و معلوم شد که دو نفر که عداوت خصوصی با یکدیگر داشته اند از موقع استفاده کرده و بدین طریق بمنازعه خود خاتمه داده بودند.

این مناظر اسفناك و حقیقی هزاران ذرع قیام را ممکنست اشغال کند ولی جز چند صد ذرع معدود، بمعرض تماشا گذاشته نمیشود. زیرا با تحمل اینهمه زحمات و مخارج بیشتر این قیامها بقدر کافی جالب توجه نیست و فقط مقدار محدودی از آنها را برای پرده سینما انتخاب میکنند.

در این چند سال اخیر مردم بقدری دیر از دیدن يك فیلم قانع میشوند و بازی کنان نیز بقدری بامهارت از عهده انجام وظایف خود برمیآیند که در روی پرده سینما بالمره نمیتوان حقیقت را از مجاز تشخیص داد. از اینرو ممکنست برای ساختن يك فیلم چندین نفر جان خود را از دست بدهند و مبالغ زیادی خرج کنند و در پایان همه اینها آن فیلمی بواسطه نقص کوچکی بمعرض تماشا گذاشته نشود و آن همه

زحمات و مخارج بهدر رود ، چنانکه یکی از مدیران بزرگ سینما در مدت هجده سال زحمت و جانفشانی مقدار هفت ملیون باقیم از نقاط و مناظر مختلف دنیا برداشت و فقط ۷۰ هزار با از آنها بروی برده سینما راه یافت .

وقتی يك كشتی بزرگ عازم فیلم برداری نواحی قطب شمال و مخصوصاً جنجگهای باخرسهای خطرناك قطبی گردید . این اقدام مدت هشت ماه بطول انجامید و در این مدت كشتی مزبور با خطرات متعددی روبرو شد و مسافری آن متحمل سختی های فراوان شدند . اقلاً چهار مرتبه از خطر تصادف با کوههای یخ نجات یافتند و چند نفر در انانای جنجگ با جانوران قطبی مقتول شدند و مدت ۴۵ روز در میان یخهای دماغه شرقی بدون آذوغه کافی محاصره گردیدند . كشتی مزبور يك روز صبح بانهدگی مصادف شد و با گلوله های آنرا ، مجروح ساخت و در تعاقب آن بطرف سواحل سبیری حرکت کرد . بی خبر از اینکه كشتن حیوانات دریائی در سواحل دریاهای شمالی از جنایاتی محسوب میشود که هرگز عفو نمیگردد و مرتکبین چنین خلافی را دولت شوروی بدون محاکمه بمعادن نمك سبیری اعزام میدارد ! نهنگ مجروح بساحل نزدیک میشد و كشتی متعاقب فقط دوست ذرع بیش تا حدود مقرر نداشت که خوشبختانه یکی از كشتی های تجارتنی كشتی مزبور را از خطای خود مطلع ساخت و از اینرو فوراً از تعاقب نهنگ صرف نظر کرد .

بعضی اوقات يك هوا بیما یا يك كشتی با عده معدودی مأمور نقاطی می گردند که فقط اسم آنرا در جغرافیای دنیا خوانده اند . در این قبیل مکانها با همه قسم مشکلات و مخاطرات مواجه میشوند . حیوانات وحشی ، گرمای شدید ، سرمای سخت و طوفانهای مهیب ممکن است مانع عملیات آنها شود ولی این اشخاص از خطر نمیترسند بلکه آنرا دوست دارند و خطر هرچه بزرگتر و محتمل تر باشد بیشتر بطرف آن میشتابند !

اخیراً یکی از کهبانی های بزرگ فیلم برداری يك هیئت دوست نفری را مأمور عکس گرفتن مناظر جنگلهای افریقا نمود . در وقت مراجعت پنج نفر از این عده بواسطه سم مارهای بزرگ مقتول شده و بیش از ۲۰ نفر مبتلا بامراض و تب های خطرناك

شده بودند که بعدها هشت نفر آنها فوت کردند ولی وقتی که سرپرست این هیئت نزد رئیس خود رفت و از تلفات هیئت شرح داد رئیس مزبور با بی صبری کلام او را برید و گفت « بسیار خوب ، فیلم را برداشتی یا نه ؟ » .

در جای دیگر ، ماشین فیلم برداری منظره درختی با ارتفاع ۱۲۰ پا را بر میداشت که شخصی از آن بالا میرفت . این شخص با ارتفاع هشتاد پا بالا رفت ولی غفله یایش لغزید و در میان شاخه های فراوان باین درخت برت گردید و استخوانهایش درهم شکست . ولی هیچکس حرکتی نکرد و ماشین همچنان این حادثه مولم و حقیقی را عکس بر میداشت

چندی پیش فیلمی بمعرض تماشا گذاشته شد و در آن رودخانه بزرگی را نشان میداد که تنه های عظیم درختان زیادی بر روی آن شناور بود و يك پل چوبی متحرک بر روی آنها تشکیل داده بود ، آب با سرعت زیادی جریان داشت و چوبها را با خود میبرد . در این اثنا چند نفر با مهارت عجیبی از يك طرف رودخانه بر روی چوبها بطرف دیگر عزیمت کردند و هنوز بوسط آنها نرسیده بودند که ناگهان زنجیری که چوبها را بهم پیوسته بود گسست و این عده در امواج طوفانی و سریع آبهای رودخانه بر تاپ شدند . هیچیک از تماشاچیان این فیلم نمیدانست این منظره تا چه اندازه حقیقی و اسفناک بود . مردم مشاهده کردند که عده ای برای نجات آنها باقیها حرکت کردند و بالاخره چهار نعش را از آنها بیرون آوردند ولی تماشاچیان نمیدانستند که چند دقیقه بعد ، وقتی که ماشین فیلم از حرکت ظالمانه خود باز ایستاد این چهار نعش در میان گریه و سوگواری رفاقا و زن و فرزندان شان بطرف قبرستان رهسپار شدند !

یکمرتبه دیگر دو اتومبیل مسابقه مأمور شدند در يك مسابقه شرکت کنند و چنین مقرر شده بود که یکی از آنها بدیواری مصادف شود و دیگری از میان يك مزرعه گندم با سرعت زیادی عبور کند و بالاخره اتومبیل از برتگاهی برت شود و راننده آن خود را از اتومبیل بیرون بیندازد .

حیله اول بانوفیق انجام گرفت ولی در قسمت دوم راننده موفق نشد خود را

از اتومبیل بزیر اندازد در نتیجه خود و ماشینش قطعه قطعه شدند . در تمام اینحال ماشین فیلم این تصاویر را برداشت و بمعرض تماشا گذاشت ولی مردم با کمال آرامش خاطر میگفتند « اینهم یکی از حیل‌های عکاسی است » .

در يك حادثه دیگر طیاره‌ای بایست بطرف زمین بسرعت فرود آید و نزدیک زمین باز بالا پرواز کند . راننده آن فقط يك لحظه غفلت کرد و با سرعت غیر قابل تصویری بزمین فرود آمد و خود و طیاره‌اش هزار قطعه گردید . مردم همه اینرا هم روی پرده سینما مشاهده کردند و باز گفتند : « فن عکاسی فیلم سینما معجزه میکند ! » مردم هیچوقت بقیمت حقیقی يك فیلم سینما بی نمیتوانند برد و نمیدانند که آن مقدار تصاویری را که ایشان در ظرف چند دقیقه بر روی پرده سینما مشاهده می کنند محصول ماهها مشقت و جانفشانی و مبالغه هنگفت بول بوده است ، و همه اینها برای آنست که مشتریان سینماهای امروز در جستجوی وقایع و مناظر طبیعی اند . آنها را بر روی پرده سینما می بینند ولی باز از آثار و حیل فن فیلم برداری میدانند !

پهپشی روسیه

اخیرا يك هیئت علمی روس مرکب از یازده عالم عتیقه شناس در سواحل دریای « آرف » خرابهای يك شهر عظیم قدیمی را که از آثار یونانی در ۲۵۰۰ سال پیش است کشف کرده معلوم نیست که شهر مزبور بچه علتی در زیر طبقات خاک مدفون گردیده بوده است . در میان این شهر خانه های سالم و دالانها و معابری دیده میشود که بر دیوار آنها نقاشی‌ها و تصاویری نظیر آنچه در خرابه های بمبئی یافته اند کشیده شده و رنگ تصاویر و نقوش مزبور در اینمدت طولانی تغییر نی پذیرفته و سالم مانده است . دوخانه‌ها اشیائی از قبیل جام شراب و شانه و چراغ و امثال آن بسیار یافته‌اند ... و از این آثار چنین برمی آید که مردم این شهر که « فاناگوریا » نام داشته مردمی ترومنند و متجمل بوده اند .

در مقابر و نواحی اطراف این شهر نیز آثار مهمی که از لحاظ عتیقه شناسی و تاریخ بسیار مفید است بدست آورده‌اند و با اکتشافات این شهر صفحه ای بر تاریخ صنایع یونان قدیم افزوده شده است .